

Investigating the Factors Influencing Non-Marriage among Single People in Kermanshah City, Iran, in 2023

Babak Moeini¹, Forouzan Rezapur-Shahkolai², Erfan Ayubi³, Parvaneh Sahrai⁴,
Behnaz Marzbani⁴

Original Article

Abstract

Background: Marriage is one of the most complex human relationships and plays a fundamental role in the daily lives of adults. For this purpose, the present study was conducted with the aim of determining the factors affecting the non-marriage of single people aged 30 to 45.

Methods: This cross-sectional study was conducted using a multistage random sampling method among 403 single people aged 30-45 years in the comprehensive health centers of Kermanshah City, Iran. The data collection tool was a self-administered questionnaire covering demographic characteristics and factors influencing late marriage. Data were analyzed using descriptive statistics, Pearson's correlation coefficient test, t-test, and analysis of variance (ANOVA).

Findings: The most reported reason for not marrying was the economic factor (66.80%), followed by individual (49.53%), cultural (47.95%), social (43.21%), and family (42.93%) factors. Gender, education, occupation, income, and family composition were related to the average score of the economic, social, and individual factors ($P < 0.05$). Having an unmarried sibling was also related to the average score of the individual factor ($P < 0.05$).

Conclusion: In the current study, the most effective factors of celibacy included economic, personal, and cultural factors, which were independent of each other but simultaneously effective on the issue of celibacy. In fact, to solve this problem, planning and action should be taken to improve the conditions of all three factors.

Keywords: Marriage; Single; Determinants; Cross-sectional survey

Citation: Moeini B, Rezapur-Shahkolai F, Ayubi E, Sahrai P, Marzbani B. **Investigating the Factors Influencing Non-Marriage among Single People in Kermanshah City, Iran, in 2023.** J Health Syst Res 2026; 22(1): 87-96.

1- Professor, Department of Public Health, School of Public Health AND Research Center for Social Determinants of Health, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

2- Professor, Department of Public Health, School of Public Health AND Research Center for Health Sciences, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

3- Associate Professor, Cancer Research Center, Institute of Cancer, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

4- PhD Student, Department of Public Health, School of Public Health, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

Corresponding Author: Behnaz Marzbani; PhD Student, Department of Public Health, School of Public Health, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran; Email: marzbanibehnaz@gmail.com

بررسی عوامل مؤثر بر عدم ازدواج در افراد مجرد ۳۰ تا ۴۵ ساله شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۲

بابک معینی^۱، فروزان رضایور شاه‌کلائی^۲، عرفان ایوبی^۳، پروانه صحرائی^۴، بهناز مرزبان^{۴*}

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: ازدواج یکی از پیچیده‌ترین روابط انسانی است که نقش اساسی را در زندگی روزمره بزرگسالان دارد. بدین منظور، پژوهش حاضر با هدف تعیین عوامل مؤثر بر عدم ازدواج در افراد مجرد ۳۰ تا ۴۵ ساله انجام شد.

روش‌ها: این مطالعه از نوع مقطعی بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای، بر روی ۴۰۳ فرد مجرد ۳۰ تا ۴۵ ساله تحت پوشش مراکز خدمات جامع سلامت شهر کرمانشاه انجام گردید. به منظور جمع‌آوری داده‌ها، از پرسش‌نامه عوامل مؤثر بر ازدواج دیر هنگام استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی، ضریب همبستگی Pearson و آزمون‌های t و ANOVA مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: عامل اقتصادی (۶۶/۸۰) بیشترین دلیل عدم ازدواج گزارش گردید و به ترتیب پس از آن عوامل فردی (۴۹/۵۳)، فرهنگی (۴۷/۹۵)، اجتماعی (۴۳/۲۱) و خانوادگی (۴۲/۹۳) قرار داشت. جنسیت، تحصیلات، شغل، میزان درآمد و ترکیب اعضای خانواده با میانگین نمره عوامل اقتصادی، اجتماعی و فردی مرتبط بود ($P < ۰/۰۵$). داشتن برادر و خواهر مجرد نیز با میانگین نمره عامل فردی ارتباط داشت ($P < ۰/۰۵$).

نتیجه‌گیری: تأثیر گذارترین عوامل مجرد شامل عوامل اقتصادی، فردی و فرهنگی بود که این عوامل به صورت مستقل از یکدیگر اما هم‌زمان بر مسأله مجرد مؤثر بوده‌اند. در واقع، برای حل این مشکل باید برای بهبود شرایط هر سه عامل، برنامه‌ریزی و اقدام گردد.

واژه‌های کلیدی: ازدواج؛ مجرد؛ عوامل تعیین‌کننده؛ بررسی مقطعی

ارجاع: معینی بابک، رضایور شاه‌کلائی فروزان، ایوبی عرفان، صحرائی پروانه، مرزبان بهناز. بررسی عوامل مؤثر بر عدم ازدواج در افراد مجرد ۳۰ تا ۴۵ ساله شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۲. مجله تحقیقات نظام سلامت ۱۴۰۵؛ ۲۲ (۱): ۹۶-۸۷

تاریخ چاپ: ۱۴۰۵/۱/۱۵

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۳/۲۶

طبق گزارش مرکز آمار ایران، طی سه دهه اخیر (سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵) در کرمانشاه، میزان مجرد قطعی برای مردان از ۲/۱۰ به ۲/۸۵ و برای زنان از ۱/۳ به ۵/۴ درصد رسیده است (۷).

در پژوهش‌های خارجی، از علل تأخیر در ازدواج به عواملی همچون مهارت پایین در برقراری ارتباط با جنس مخالف، هنجارهای اجتماعی، سبک زندگی، حفظ آزادی، تعدد روابط و صدمه ندیدن در رابطه اشاره شده است (۸، ۹). در ایران نیز مردان به «مشکلات اقتصادی» و زنان به «نیافتن فرد مناسب» اشاره کرده‌اند (۶). همچنین، عدم مسؤلیت‌پذیری، عدم آزادی انتخاب شریک زندگی، ادامه تحصیل، نبود امنیت شغلی، نگرانی از تجارب ناموفق دیگران در ازدواج، تعامل با جنس مخالف و امکان ارضای نیازهای جنسی خارج از ازدواج، عدم اعتماد به جنس مخالف، وابستگی به خانواده و آداب و رسوم سنتی از دیگر دلایل تأخیر در ازدواج ذکر شده است (۱۰).

از منظر جمعیت‌شناختی، تأخیر در ازدواج می‌تواند فرصت‌های تحصیلی، شغلی و استقلال مالی جوانان را افزایش دهد و به رشد اقتصادی و اجتماعی

مقدمه

تعریف ازدواج در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است، اما به طور کلی، ازدواج الگوی اجتماعی پذیرفته شده‌ای است که در آن زن و مرد، یک خانواده را پایه‌ریزی و ایجاد می‌کنند تا به حقیقت ازدواج که رسیدن به آرامش و خوشبختی است، دست یابند (۱). در فرهنگ مدرن معاصر، تمایل جوانان به مجرد ماندن و عدم تشکیل خانواده به یک هنجار اجتماعی جهانی تبدیل شده است (۲). تغییر در سن ازدواج نیز یکی از شاخص‌های مهمی است که محققان از دیدگاه‌های مختلف آن را مورد بررسی قرار داده‌اند (۳).

بر اساس آمار انستیتوی ملی تحقیقات جمعیت در کشور ژاپن، سن اولین ازدواج برای مردان ۳۱ سال و برای زنان ۲۹ سال می‌باشد (۴). در ایران نیز طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۹، میانگین سن ازدواج برای زنان ۵ سال و برای مردان ۴ سال افزایش داشته است (۵). بر اساس نتایج پیمایش ملی در کشور، میانگین سن در هنگام اولین ازدواج زن و مرد به ترتیب ۲۳/۶ و ۲۷/۴ سال می‌باشد (۶).

۱- استاد، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۲- استاد، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۳- دانشیار، مرکز تحقیقات سرطان، پژوهشکده سرطان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۴- دانشجوی دکتری تخصصی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

نویسنده مسؤول: بهناز مرزبان؛ دانشجوی دکتری تخصصی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

Email: marzbanbehnaz@gmail.com

پرسش‌نامه را از طریق شبکه‌های اجتماعی در اختیار آن‌ها قرار دادند. افراد واجد شرایط در صورت تمایل به شرکت در تحقیق، به پرسش‌نامه پاسخ دادند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسش‌نامه عوامل مؤثر بر ازدواج دیرهنگام بود که توسط نصیری و همکاران بر اساس یک طرح تحقیقاتی طراحی و اعتباریابی شده است (۱۴). پرسش‌نامه در دو بخش اطلاعات دموگرافیک شامل سن، جنسیت، تحصیلات، شغل، درآمد ماهیانه، ترتیب تولد، داشتن برادر یا خواهر مجرد ۳۰ سال و بالاتر و ترکیب اعضای خانواده، اطلاعات سابقه پزشکی شامل بیماری زمینه‌ای و عوامل مؤثر بر عدم ازدواج شامل عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بود. پرسش‌نامه شامل ۶۳ سؤال و پنج عامل فردی (۱۸ سؤال)، اجتماعی (۱۶ سؤال)، خانوادگی (۸ سؤال)، فرهنگی (۱۱ سؤال) و اقتصادی (۱۰ سؤال) با طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت از خیلی کم (۱ امتیاز) تا خیلی زیاد (۵ امتیاز) بود. نمونه سؤالات از هر عامل به ترتیب شامل «تس از محدود شدن آزادی فردی، دوستی و رابطه دختران با پسران قبل ازدواج، اختلاف نظر با خانواده در مورد نحوه انتخاب همسر، دگرگونی‌های ملاک‌های ازدواج و نداشتن شغل مناسب» بود. نمرات پرسش‌نامه در دامنه ۶۳ تا ۳۱۵ قرار داشت که در آن نمرات بالاتر بر مؤثرتر بودن عوامل دلالت داشت. داده‌ها با استفاده از شاخص‌های روایی صوری و محتوایی، ضریب Cronbach's alpha و تحلیل عاملی تأییدی (CFA) یا Confirmatory factor analysis (بررسی شدند. روایی صوری و محتوایی بر اساس نسبت روایی محتوا (Content validity ratio یا CVR) و شاخص روایی محتوا (Content validity index یا CVI) تأیید گردید. CFA نیز بر اساس شاخص‌های برازش تأیید شده است. مقدار ضریب Cronbach's alpha به دست آمده ۰/۸۵ گزارش گردید. با توجه به این که ضرایب در آزمون نهایی بیش از ۰/۷ می‌باشد، همبستگی درونی بین گویه‌ها مورد تأیید قرار گرفت (۱۴). در پژوهش حاضر نیز ضریب Cronbach's alpha برای این پرسش‌نامه ۰/۸۱ به دست آمد.

با توجه به این که تعداد سؤالات هر بعد پرسش‌نامه متفاوت بود، برای مقایسه عوامل تأثیرگذار بر تأخیر در ازدواج، از روش تبدیل کمیته بیشینه استفاده گردید؛ به طوری که نمرات خام به طیف صفر تا ۱۰۰ تبدیل شدند تا بتوان بین دلایل عدم ازدواج قضاوت درستی انجام داد. با توجه به این که کلیه متغیرها بر اساس آزمون Kolmogorov-Smirnov از توزیع نرمال پیروی می‌کردند، به منظور بررسی روابط بین متغیرها، از ضریب همبستگی Pearson و آزمون t و ANOVA استفاده گردید. در نهایت، داده‌ها در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ (version 24, IBM Corporation, Armonk, NY) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. $P < 0.05$ به عنوان سطح معنی‌داری در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی ۴۰۳ مشارکت‌کننده پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

بر اساس داده‌های جدول ۲، بیشترین نمره میانگین در بین عوامل تعیین‌کننده عدم ازدواج، عامل اقتصادی بود و به ترتیب پس از آن عوامل فردی، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی قرار داشت. همچنین، همبستگی Pearson بین تمام عوامل وجود داشت ($P < 0.05$).

جامعه کمک کند، اما منجر به افزایش تجرد قطعی، کاهش عمومیت ازدواج، تعویق در فرزندآوری، کاهش نرخ باروری و آهنگ رشد جمعیت و پیری جمعیت می‌شود (۱۱). همچنین، می‌تواند موجب افزایش اضطراب و فشار عصبی، شیوع افسردگی، اختلافات رفتاری و آسیب‌پذیری جنسی، تغییر الگوها و هنجارهای ازدواج، افزایش فساد اخلاقی با گرایش به جرایم و اعتیاد گردد (۱۲). بر اساس مطالعات پیشین، میانگین شاخص تأخیر در ازدواج دختران در شهرستان‌های کشور حدود ۲۴ درصد بوده است. در این میان، شهرستان‌های گیلان غرب در استان کرمانشاه با ۴۸ درصد و سیروان در استان ایلام با ۴۵/۷ درصد، بیشترین تأخیر در ازدواج دختران را به خود اختصاص دادند. این یافته نشان می‌دهد که افزایش سن ازدواج در شهرستان‌های غربی کشور بیشتر از سایر مناطق ایران است (۱۳). بر اساس آنچه بیان شد، سن ازدواج در هر جامعه‌ای متفاوت است و تحت تأثیر عوامل محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارد. از این‌رو، برای درک بهتر موضوع ازدواج در هر جامعه‌ای، بررسی عوامل مؤثر بر آن ضروری است. اگرچه تحقیقات متعددی در این زمینه انجام شده است، اما با توجه به تغییرات سریع اجتماعی در ایران، انجام چنین پژوهشی در این مقطع زمانی در کرمانشاه برای برنامه‌ریزی و مداخله ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین، مطالعه حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر عدم ازدواج در افراد مجرد ۳۰ تا ۴۵ ساله شهر کرمانشاه انجام شد.

روش‌ها

جامعه آماری این تحقیق مقطعی را کلیه دختران و پسران مجرد ۳۰ تا ۴۵ ساله تحت پوشش مراکز خدمات جامع سلامت شهر کرمانشاه تشکیل داد. حجم نمونه با در نظر گرفتن شیوع ۵۰ درصد، برای اطمینان از حداکثر برآورد حجم نمونه مورد نیاز، سطح خطای نوع اول ۵ درصد، براساس فرمول برآورد شیوع در جامعه، ۳۸۴ نفر برآورد گردید. با در نظر گرفتن مقادیر عدم پاسخدهی، حجم نمونه ۴۰۳ نفری (۲۲۶ مرد و ۱۷۷ زن) در نظر گرفته شد. شرکت‌کنندگان به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای خوشه‌ای طبقه‌ای انتخاب شدند. در مرحله اول، شهر کرمانشاه به پنج منطقه تقسیم و از هر منطقه یک مرکز خدمات جامع سلامت به عنوان خوشه به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس حجم نمونه برای هر خوشه با احتمال متناسب با جمعیت آن مرکز محاسبه گردید. در هر خوشه، متغیر جنسیت به عنوان معیار طبقه‌بندی استفاده شد تا نمونه‌گیری به نسبت جمعیت هر دو جنس انجام شود. در نهایت، به صورت تصادفی و با استفاده از جدول اعداد تصادفی، نمونه‌ها از لیست خانوارهای دارای افراد مجرد ۳۰ تا ۴۵ ساله انتخاب و لینک پرسش‌نامه برای تکمیل به روش خودگزارش‌دهی برای آن‌ها ارسال گردید. معیارهای ورود به پژوهش شامل افراد ۳۰ تا ۴۵ ساله هرگز ازدواج نکرده ساکن شهر کرمانشاه، داشتن تمایل به مشارکت با اخذ رضایت شفاهی آگاهانه، توانایی استفاده از فضای مجازی و حداقل سواد خواندن و نوشتن بود. تجربه ازدواج، وجود بیماری تأیید شده روانی و اختلالات شناختی شدید نیز به عنوان معیارهای خروج در نظر گرفته شد.

داده‌ها از فروردین تا اردیبهشت سال ۱۴۰۲ جمع‌آوری گردید. ابتدا پرسش‌نامه به صورت آنلاین با استفاده از نرم‌افزار پرس‌لاین طراحی شد. سپس مراقبان سلامت پنج مرکز منتخب به صورت تلفنی با افراد گروه هدف تماس گرفتند و ضمن ارایه توضیحات درباره هدف مطالعه و محرمانه بودن آن، لینک

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان پژوهش

متغیر	مرد [تعداد (درصد)]	زن [تعداد (درصد)]
گروه سنی (سال)	۲۱۴ (۵۳/۱)	۱۸۹ (۴۶/۹)
	۳۰-۳۵	۸۹ (۴۷/۱)
	۳۶-۴۰	۶۲ (۳۲/۸)
	۴۱-۴۵	۲۸ (۲۰/۱)
سطح تحصیلات	۲۶ (۱۲/۱)	۲۰ (۱۰/۶)
	زیر دیپلم	۲۱ (۱۱/۱)
	دیپلم	۱۳ (۶/۹)
	کاردانی	۸۴ (۴۴/۴)
	کارشناسی	۵۱ (۲۷/۰)
	کارشناس ارشد و بالاتر	۸۸ (۴۶/۶)
وضعیت اشتغال	۵۹ (۲۷/۶)	۲۲ (۱۱/۶)
	دولتی	۷۹ (۴۱/۸)
	آزاد	۷۹ (۴۱/۸)
	بیکار	۷۹ (۴۱/۸)
مقدار درآمد (میلیون تومان)	۲۷ (۱۲/۶)	۲۷ (۱۲/۶)
	صفر	۱۹ (۱۰/۱)
	۱-۵	۵۶ (۲۹/۶)
	۶-۱۰	۳۱ (۱۶/۴)
	۱۱-۱۵	۴ (۲/۱)
	بیشتر از ۱۵	۴۹ (۲۵/۹)
رتبه تولد	۵۸ (۲۷/۱)	۱۴۰ (۷۴/۱)
	اول	۹۵ (۵۰/۳)
	غیر اول	۹۴ (۴۹/۷)
داشتن برادر یا خواهر مجرد ۳۰ سال و بالاتر	۱۰۶ (۴۹/۵)	۱۰۸ (۵۰/۵)
	بله	۱۰ (۵/۳)
	خیر	۱۷۳ (۹۱/۵)
ترکیب اعضای خانواده	۳۲ (۱۵/۰)	۳ (۱/۶)
	زندگی به تنهایی	۳ (۱/۶)
	زندگی با بستگان درجه یک	۵ (۲/۳)
	زندگی با بستگان درجه دو	۲۲ (۱۱/۶)
	زندگی با دوستان	۱۶۷ (۸۸/۴)
	بله	۱۸۸ (۸۷/۹)
بیماری زمینه‌ای	۲۶ (۱۲/۱)	۱۶۷ (۸۸/۴)
	بله	
	خیر	

کسانی زندگی می‌کند، هر کدام با عوامل فردی، اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر عدم ازدواج ارتباط داشت ($P < 0.05$). با افزایش سطح تحصیلات و میزان درآمد، میانگین نمره در بعد فردی افزایش یافت. همچنین، گروه خانه‌دار با سایر مشاغل، بیشترین تفاوت را در عامل اجتماعی داشتند. در خصوص متغیر شرایط زندگی، افرادی که با دوستان زندگی می‌کردند، میانگین بالاتری در عوامل فردی و اقتصادی داشتند. با این حال، در مقایسه گروه‌های سنی مختلف، تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد.

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر عدم ازدواج در افراد مجرد ۳۰ تا ۴۵ ساله انجام شد.

بیشترین میزان ضریب همبستگی بین متغیرهای عامل خانوادگی و فرهنگی با مقدار ۰/۷۱۷ و ضعیف‌ترین میزان ضریب همبستگی بین متغیرهای عامل فردی و عامل اقتصادی با مقدار ۰/۱۰۵ بود. علاوه بر این، عامل اقتصادی با سایر عوامل همبستگی کمتری را نشان داد. میانگین نمره عوامل مؤثر بر عدم ازدواج زنان در بعد اجتماعی و اقتصادی بیشتر از آقایان بود. نمره مردان در بعد فردی، ۴/۳۵ واحد بیشتر از زنان گزارش گردید ($P < 0.05$). وجود یا فقدان برادر یا خواهر مجرد ۳۰ سال و بالاتر، با مشکلات فردی مؤثر بر عدم ازدواج نیز دارای ارتباط بود و افراد فاقد برادر یا خواهر، دارای میانگین بیشتری در عامل فردی بودند ($P < 0.05$). همچنین، توزیع نمره بین داشتن یا نداشتن بیماری زمینه‌ای و رتبه تولد یکسان بود (جدول ۳). متغیرهای سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال، درآمد و این که فرد با چه

جدول ۲. نتایج تحلیل ضریب همبستگی بین عوامل مؤثر بر عدم ازدواج

عوامل مؤثر	میانگین \pm انحراف معیار	اقتصادی	فرهنگی	خانوادگی	اجتماعی	فردی
فردی	۴۹/۵۳ \pm ۱۹/۴۰	*.۱/۰۵	**./۶۱۴	**./۵۷۴	**./۴۷۴	۱
اجتماعی	۴۳/۲۱ \pm ۱۸/۱۴	**./۴۵۱	**./۶۴۰	**./۶۰۴	۱	< .۰/۰۰۱
خانوادگی	۴۲/۹۳ \pm ۲۲/۲۲	**./۲۱۵	**./۷۱۷	۱	< .۰/۰۰۱	< .۰/۰۰۱
فرهنگی	۴۷/۹۵ \pm ۲۰/۵۵	**./۲۱۶	۱	< .۰/۰۰۱	< .۰/۰۰۱	< .۰/۰۰۱
اقتصادی	۶۶/۸۰ \pm ۱۹/۷۱	۱	< .۰/۰۰۱	< .۰/۰۰۱	< .۰/۰۰۱	< .۰/۰۳۵

* همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنی دار است. ** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنی دار است.

مؤثر بر ابعاد اقتصادی، فردی و اجتماعی شناخته می‌شوند؛ به طوری که افراد دارای شغل دولتی در ابعاد فردی و اقتصادی، میانگین نمره بالاتر و افراد بیکار در بعد اجتماعی میانگین نمره بالاتری دارند. یافته‌های پژوهش حاضر در بعد فردی نشان داد که افراد شاغل و با درآمد بالا، به دلیل احساس استقلال و اولویت دادن به پیشرفت شخصی و شغلی، نگرش متفاوتی نسبت به ازدواج دارند که با یافته‌های مطالعه زارعان (۲۱) هم‌راستا می‌باشد. همچنین، نیکخواه و همکاران گزارش کردند که تلاش زنان برای کسب شغل و استقلال مالی، تمایل به ازدواج زودتر را در آنان کاهش داده است؛ چرا که آنان ازدواج را وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف فردی خود می‌دانند (۲۲). بنابراین، نقش شغل بر عوامل فردی مانند اهداف زندگی غیر قابل کتمان است. نتایج تحقیق حاضر در زمینه عوامل اجتماعی حاکی از آن بود که سلامت اجتماعی افراد تحت تأثیر شغل قرار دارد که با یافته‌های پژوهش فخرایی و پورتنقی (۲۳) همسو بود. با این حال، نتایج مطالعه صدرموسوی و همکاران نشان داد که عامل اجتماعی با شغل و درآمد در ارتباط نیست که ممکن است به سبک زندگی سنتی‌تر در روستاها مربوط باشد (۲۴). از نظر بعد اقتصادی نیز بررسی حاضر تأیید می‌کند که درآمد بالا و اشتغال پایدار، می‌تواند یکی از عوامل کلیدی در تأخیر ازدواج باشد. این نتیجه با یافته‌های تحقیقات پیشین که نشان دادند افراد با ثبات اقتصادی به دنبال امنیت مالی بیشتر و سرمایه‌گذاری در آینده خود هستند و این می‌تواند تصمیمات ازدواج را به تأخیر بیندازد (۲۵)، همخوانی داشت.

دیگر متغیر پژوهش حاضر، سطح تحصیلات بود که با عوامل فردی، اجتماعی و اقتصادی مرتبط می‌باشد و میانگین نمره این عوامل در افراد با تحصیلات دانشگاهی بیشتر است. این نتیجه در بعد فردی با یافته‌های مطالعه سیاح و همکاران (۲۶) همسو بود.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که سطح تحصیلات بر نگرش‌های شخصی نسبت به ازدواج تأثیر مستقیم دارد و افراد با تحصیلات بالاتر اغلب دیدگاه‌های گسترده‌تری از مسایل زندگی دارند که می‌تواند منجر به تأخیر در تصمیم‌گیری درباره ازدواج شود. با این اوصاف، تحصیلات بالا می‌تواند اعتماد به نفس و استقلال فردی را افزایش دهد. در بعد اجتماعی، افزایش سطح تحصیلات با افزایش سن ازدواج مرتبط است؛ چرا که برخی افراد به دلیل تمرکز بر ارتقای جایگاه اجتماعی و تحصیلی خود، از ازدواج اجتناب می‌کنند. این یافته با نتایج پژوهش فخرایی و پورتنقی (۲۳) همسو است. همچنین، بر اساس نتایج مطالعه خیری و حاجی‌آقا، روند مدرنیزاسیون اجتماعی فرصت‌های بهتر برای توسعه سیستم آموزشی ایجاد کرده است که زمینه را برای افزایش تحصیلات زنان و بالا رفتن سن ازدواج آنان فراهم نموده است (۲۷).

نتایج نشان داد که گروه سنی ۳۰ تا ۳۵ سال، دارای بیشترین حجم نمونه بود و اغلب شرکت‌کنندگان مرد بودند. مردان بیشتر دارای تحصیلات دیپلم و زنان دارای تحصیلات کارشناسی بودند. همچنین، مردان به طور عمده در مشاغل آزاد و زنان در مشاغل دولتی مشغول به کار بودند و بیشتر شرکت‌کنندگان با اعضای خانواده خود زندگی می‌کردند. عوامل اقتصادی، فردی، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی به ترتیب بیشترین دلایل عدم ازدواج بودند. همچنین، متغیرهای جنسیت، تحصیلات، شغل، میزان درآمد و ترکیب اعضای خانواده با عوامل اقتصادی، اجتماعی و فردی مرتبط بودند. داشتن برادر و خواهر مجرد نیز با عامل فردی در ارتباط بود.

نتایج نشان داد که جنسیت با عوامل اقتصادی، اجتماعی و فردی ارتباط مستقیم و معنی‌داری داشت؛ به طوری که میانگین نمره عوامل اقتصادی و اجتماعی در زنان بالاتر از مردان بود. در مطالعه علیرضائزاد و همکاران مشخص شد که درآمد بالای زنان، احساس استقلال و قدرت آنان را افزایش می‌دهد و ممکن است بر سن ازدواج تأثیرگذار باشد (۱۵) که با یافته‌های بررسی حاضر همخوانی داشت. با این حال، تحقیق صادقی و همکاران این ارتباط را تأیید نکرد و نشان داد که مردان بیشتر به دنبال ارتباطات مالی و زنان به دنبال ارتباطات عاطفی هستند (۱۶). همچنین، حمایت‌های خانوادگی و فشارهای اجتماعی می‌تواند بر تمایل زنان به ازدواج زودتر تأثیرگذار باشد. در زمینه عامل اجتماعی، پژوهش چیت‌ساز به نقش عوامل اجتماعی در ازدواج دیر هنگام با توجه به جنسیت تأکید داشت (۱۷)؛ در حالی که مطالعه ایمان‌زاده و همکاران این ارتباط را رد کرد (۱۸). این غیر همسویی ممکن است مربوط به تفاوت در تمرکز بر متغیرها باشد. همچنین، بررسی تغییرات مدرن و تأثیرات فضای مجازی در تحقیق ایمان‌زاده و همکاران می‌تواند تغییر در دینامیک‌های اجتماعی و تأثیر آن بر نگرش و رفتارهای ازدواج را توضیح دهد و به عنوان یکی از دلایل ازدواج دیر هنگام مطرح شود (۱۸). در زمینه عوامل فردی نیز به نظر می‌رسد نگرش‌های متفاوت زنان و مردان نسبت به ازدواج، یکی از عوامل تأثیرگذار باشد. نتایج پژوهش Kaufman و Goldscheider نشان داد زنانی که دارای نگرش‌های مساوات‌آمیزتر هستند، سن ازدواج بالاتری دارند (۱۹). با این حال، در مطالعه حاضر جنسیت با عوامل فردی مرتبط نبود که این غیر همسویی می‌تواند ناشی از تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی بین ایران و جوامع غربی باشد. همچنین، زنان ممکن است ازدواج را به عنوان یک انتخاب اختیاری و نه یک ضرورت ببینند که این نگرش می‌تواند منجر به تأخیر در ازدواج تا تحقق اهداف فردی و حرفه‌ای شود (۲۰).

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که شغل و میزان درآمد به عنوان متغیرهای

جدول ۳. نتایج آزمون مقایسه بین میانگین‌های دو یا چند گروه

عوامل مؤثر (میانگین ± انحراف معیار)					متغیر
اقتصادی	فرهنگی	خانوادگی	اجتماعی	فردی	
۶۰/۵۱ ± ۱۵/۴۳	۴۷/۸۹ ± ۲۰/۲۶	۴۲/۳۰ ± ۲۱/۹۶	۳۴/۹۹ ± ۱۴/۴۷	۵۱/۵۷ ± ۱۷/۶۴	جنسیت
۷۳/۹۳ ± ۲۱/۵۶	۴۸/۰۲ ± ۲۰/۹۴	۴۳/۶۵ ± ۲۲/۵۴	۵۲/۵۲ ± ۱۷/۳۹	۴۷/۲۳ ± ۲۱/۰۳	زن
< ۰/۰۰۱	۰/۹۴۹	۰/۵۴۵	< ۰/۰۰۱	۰/۰۲۷	مقدار *P
۶۷/۲۴ ± ۱۸/۷۷	۴۸/۴۵ ± ۱۹/۵۲	۴۳/۳۷ ± ۲۱/۳۳	۴۳/۹۳ ± ۱۸/۰۳	۴۹/۷۵ ± ۱۸/۱۶	گروه سنی (سال)
۶۶/۵۹ ± ۲۰/۷۱	۴۶/۴۵ ± ۲۰/۶۱	۴۱/۶۹ ± ۲۲/۱۴	۴۲/۳۴ ± ۱۸/۳۵	۴۸/۷۰ ± ۱۹/۲۶	۳۰-۳۵
۶۵/۸۸ ± ۲۰/۷۱	۴۹/۶۰ ± ۲۳/۵۶	۴۴/۱۹ ± ۲۵/۱۹	۴۵/۹۴ ± ۱۸/۰۴	۵۰/۶۲ ± ۲۳/۳۷	۳۶-۴۰
۰/۸۸۱	۰/۵۲۱	۰/۷۰۲	۰/۴۰۵	۰/۷۸۶	۴۱-۴۵
۶۹/۴۶ ± ۱۸/۳۲	۴۴/۸۱ ± ۲۰/۹۱	۴۶/۵۳ ± ۲۱/۶۹	۴۰/۳۱ ± ۱۵/۱۵	۳۹/۷۹ ± ۲۰/۶۰	سطح تحصیلات
۶۲/۶۰ ± ۱۸/۳۶	۴۷/۲۱ ± ۱۹/۳۵	۳۹/۱۰ ± ۲۰/۸۵	۳۸/۴۸ ± ۱۵/۳۳	۴۳/۷۱ ± ۱۷/۰۵	زیر دیپلم
۶۳/۷۴ ± ۱۶/۳۷	۴۶/۱۶ ± ۱۸/۰۲	۴۴/۱۰ ± ۱۶/۷۲	۴۱/۰۲ ± ۱۵/۰۲	۵۲/۵۷ ± ۱۲/۹۵	دیپلم
۷۰/۵۰ ± ۱۹/۹۴	۴۹/۲۹ ± ۲۰/۶۸	۴۴/۳۱ ± ۲۳/۷۰	۴۷/۱۰ ± ۱۸/۸۲	۵۱/۷۸ ± ۱۹/۰۶	کارستانی
۶۴/۷۹ ± ۲۱/۵۸	۴۸/۸۶ ± ۲۲/۴۰	۴۱/۵۸ ± ۲۳/۱۵	۴۳/۹۸ ± ۲۰/۸۵	۵۵/۶۱ ± ۲۰/۶۰	کارشناس ارشد و بالاتر
۰/۰۱۹	۰/۶۹۳	۰/۴۰۰	۰/۰۰۵	< ۰/۰۰۱	مقدار **P
۷۵/۲۴ ± ۱۸/۲۸	۵۰/۱۲ ± ۲۱/۷۹	۴۴/۲۸ ± ۲۴/۳۹	۴۶/۳۲ ± ۱۹/۴۲	۵۲/۱۸ ± ۱۹/۶۳	وضعیت اشتغال
۶۵/۳۲ ± ۲۰/۸۷	۴۶/۵۶ ± ۱۹/۰۰	۴۰/۸۷ ± ۲۰/۱۴	۸۰/۳۵ ± ۱۴/۲۳	۵۰/۰۰ ± ۱۶/۳۶	دولتی
۶۲/۳۰ ± ۱۷/۶۹	۴۶/۹۳ ± ۲۰/۸۵	۴۳/۹۸ ± ۲۱/۸۶	۴۹/۳۹ ± ۱۷/۸۱	۴۵/۲۱ ± ۲۲/۲۸	آزاد
< ۰/۰۰۱	۰/۳۷۵	۰/۳۵۷	< ۰/۰۰۱	۰/۰۱۷	بیکار
۷۵/۲۴ ± ۱۸/۲۸	۴۶/۳ ± ۲۰/۸۵	۴۳/۹۸ ± ۲۱/۸۶	۴۹/۳۹ ± ۱۷/۸۱	۴۵/۲۱ ± ۲۲/۲۸	مقدار درآمد
۷۰/۶۴ ± ۱۳/۵۳	۴۵/۴۹ ± ۱۸/۴۹	۴۰/۱۹ ± ۲۰/۰۷	۳۷/۹۵ ± ۱۴/۸۴	۴۶/۵۲ ± ۱۵/۹۸	صفر
۶۶/۶۸ ± ۱۹/۰۲	۴۷/۸۷ ± ۲۰/۴۶	۴۱/۰۰ ± ۲۳/۰۶	۴۱/۷۶ ± ۱۸/۳۷	۴۹/۵۲ ± ۱۸/۳۶	۵-۱ (میلیون تومان)
۵۹/۳۱ ± ۱۹/۴۶	۵۰/۷۶ ± ۲۱/۴۴	۴۶/۵۰ ± ۲۳/۹۰	۴۴/۶۰ ± ۱۷/۵۳	۵۴/۸۲ ± ۱۶/۲۱	۱-۶
۴۷/۷۷ ± ۱۹/۶۰	۵۰/۲۹ ± ۲۲/۰۳	۴۵/۳۶ ± ۱۹/۲۱	۳۵/۴۳ ± ۱۹/۱۰	۵۸/۴۲ ± ۲۱/۰۷	۱۵-۱۱
< ۰/۰۰۱	۰/۵۹۹	۰/۳۶۸	< ۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	بیشتر از ۱۵
۶۹/۵۵ ± ۱۶/۴۱	۴۸/۱۳ ± ۲۰/۳۰	۴۳/۰۴ ± ۲۱/۷۲	۴۳/۶۳ ± ۱۶/۴۰	۴۸/۹۶ ± ۲۱/۳۷	رتبه تولد
۶۵/۸۱ ± ۲۰/۷۱	۴۷/۸۹ ± ۲۰/۶۸	۴۲/۸۹ ± ۲۲/۴۳	۴۳/۰۶ ± ۱۸/۷۵	۴۹/۷۴ ± ۱۸/۶۷	اول
۶۷/۶۷ ± ۲۰/۱۴	۴۶/۲۰ ± ۲۱/۵۵	۴۰/۷۸ ± ۲۲/۹۹	۴۲/۲۹ ± ۱۸/۶۶	۴۶/۹۸ ± ۱۸/۷۲	غیر اول
۶۵/۹۴ ± ۱۹/۲۹	۴۹/۷۰ ± ۱۹/۴۱	۴۵/۰۸ ± ۲۱/۲۶	۴۴/۱۲ ± ۱۷/۶۱	۵۲/۰۷ ± ۱۹/۷۸	مقدار *P
۰/۳۸۰	۰/۰۸۷	۰/۰۵۲	۰/۳۱۱	۰/۰۰۸	بله
۵۳/۹۶ ± ۱۸/۲۷	۴۷/۲۹ ± ۲۱/۰۶	۴۰/۶۲ ± ۲۲/۷۴	۳۵/۴۱ ± ۱۶/۸۸	۵۴/۰۲ ± ۱۹/۷۹	داشتن برادر یا خواهر مجرد ۳۰ سال و بالاتر
۶۸/۳۹ ± ۱۹/۱۲	۴۸/۲۰ ± ۲۰/۴۹	۴۳/۴۵ ± ۲۲/۱۸	۴۴/۰۴ ± ۱۷/۸۷	۴۸/۵۳ ± ۱۹/۳۳	خیر
۵۶/۶۶ ± ۳۴/۷۶	۴۳/۶۳ ± ۱۶/۳۴	۴۰/۶۲ ± ۱۰/۳۶	۴۸/۷۵ ± ۲۶/۳۶	۵۴/۷۲ ± ۹/۳۹	مقدار *P
۷۱/۴۲ ± ۱۸/۵۷	۴۳/۴۶ ± ۲۵/۷۵	۳۳/۹۸ ± ۲۷/۲۱	۴۴/۷۲ ± ۲۴/۰۳	۶۶/۱۴ ± ۱۵/۷۸	ترکیب اعضای خانواده
< ۰/۰۰۱	۰/۸۷۵	۰/۵۷۵	۰/۰۲۹	۰/۰۲۴	زندگی با بستگان درجه یک
۶۷/۴۶ ± ۱۹/۳۶	۵۱/۶۰ ± ۲۱/۱۴	۴۸/۳۷ ± ۲۲/۹۲	۴۵/۳۴ ± ۱۷/۵۴	۵۲/۱۷ ± ۱۹/۱۲	زندگی با بستگان درجه دو
۶۶/۷۲ ± ۱۹/۷۸	۴۷/۴۶ ± ۲۰/۴۵	۴۲/۲۰ ± ۲۲/۰۵	۴۲/۹۲ ± ۱۸/۲۲	۴۹/۱۸ ± ۱۹/۴۴	زندگی با دوستان
۰/۸۰۸	۰/۱۹۰	۰/۰۷۱	۰/۳۸۷	۰/۳۱۷	مقدار **P
					بیماری زمینه‌ای
					بله
					خیر
					مقدار **P

ANOVA, Independent t آزمون

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که عامل فردی پس از عامل اقتصادی، مهم‌ترین عامل مؤثر بر ازدواج دیرهنگام به شمار می‌رود. این یافته با نتایج برخی تحقیقات پیشین (۳۶، ۳۵، ۳۳) همخوانی داشت. در پژوهش مرادی و صفریان، متغیرهای بالا بودن انتظارات و سخت‌گیری در انتخاب همسر و وضع ظاهری، با تأخیر در سن ازدواج جوانان ارتباط معنی‌داری داشتند (۳۵). همچنین، در مطالعه حبیب‌پور گنابی و غفاری مشخص شد دخترانی که دیرتر ازدواج می‌کنند، از تحصیلات بالاتری برخوردارند، نگرش فرامادی به ازدواج دارند و معتقد هستند با ازدواج هزینه فرصت‌های از دست رفته بیشتر از فرصت ازدواج است (۳۶). نتایج تحقیق فعله‌گری و همکاران نیز نشان داد عوامل فردی همچون باورهای بازدارنده، نیافتن فرد ایده‌آل و ویژگی‌های ظاهری، بدبینی و تقدیرگرایی با ازدواج دیرهنگام در ارتباط است (۳۳). با این حال، در پژوهش طیبی‌نیا عوامل فردی کم‌اهمیت‌ترین بعد در بین عوامل بررسی شده بود (۳۷) که با یافته‌های بررسی حاضر غیر همسو می‌باشد. در مطالعه حاضر تنها بخش روانی بعد فردی سنجیده شد و از سنجش ابعاد دیگر فردی مانند متغیرهای دموگرافیک اغفال شده است. در مجموع، می‌توان گفت که عامل فردی یکی از عوامل مؤثر در تأخیر یا عدم ازدواج محسوب می‌شود.

بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، عامل فرهنگی از دیگر عوامل اثرگذار بر عدم ازدواج بود. این یافته در راستای نتایج پژوهش غلامی قاراب و حسینی اجداد نیایی (۲۹) و مغایر با یافته‌های مطالعه Hippen (۳۸) است. این غیر همسویی می‌تواند نتیجه تفاوت‌های آشکار محل مطالعه با تحقیق حاضر باشد. در کشورهای غربی روابط بین زن و مرد و ازدواج از نظر فرهنگی کاملاً با کشور ایران اختلاف دارد. غلامی قاراب و حسینی اجداد نیایی اذعان داشتند که عامل فرهنگی بیشترین تأثیر را با وجود همه‌های بی‌امان رسانه‌های جهانی بر ازدواج جوانان دارد (۲۹). در همین راستا، در پژوهش ایمان‌زاده و علیپور نیز سنت‌های نادرست فرهنگی همچون اعتقاد به ازدواج دختر کوچک‌تر بعد از دختر بزرگ‌تر، یکی از عوامل دخیل در ازدواج دیرهنگام قلمداد گردید (۱). بنابراین، یافته‌های مطالعه حاضر نشان می‌دهد که این عامل به دلیل تفاوت‌های فرهنگی میان جوامع مختلف، اهمیت و تأثیر متفاوتی بر ازدواج افراد خواهد داشت.

عامل اجتماعی از دیگر عوامل اثرگذار بر عدم ازدواج در بین جامعه هدف در بررسی حاضر بود. مطابق با مطالعه بناب و همکاران، Giddens معتقد است گسترش بی‌اعتمادی و دورویی در روابط اجتماعی و انحرافات اخلاقی، به نهاد خانواده و مناسبات انسانی تسری یافته است که این مسأله در ازدواج خود را نشان می‌دهد (۲۳). نتایج تحقیق حاضر مؤید این نظریه بود و با یافته‌های پژوهش‌های قبلی انجام شده در این زمینه از جمله تحقیق بحیرایی و حضرتی صومعه (۳۹) هم‌راستا می‌باشد. علاوه بر این، کاهش اعتماد ناشی از افزایش اعتماد، فریبکاری و تجربیات منفی دیگران، به همراه توسعه شهرنشینی و افزایش جمعیت، می‌تواند خطر ازدواج را افزایش دهد و افراد را نسبت به انتخاب همسر محتاط‌تر کند (۳۳). با این اوصاف، عوامل اجتماعی با ایجاد جو بی‌اعتمادی و کاهش سرمایه اجتماعی، موجب کاهش تمایل افراد به ازدواج و تشکیل خانواده می‌شود.

یافته دیگر مطالعه نشان داد که عامل خانوادگی، کمترین تأثیر را در عدم ازدواج دارد. این نتیجه همسو با یافته‌های تحقیق Bagi (۶) و مغایر با نتایج پژوهش حسینی اجداد نیایی (۲۹) می‌باشد. این عدم همسویی می‌تواند ناشی از تفاوت‌های فرهنگی میان محل انجام مطالعات و تفاوت در ابزار و سؤالات

در تحقیق آقایی و طاهری بنچناری نیز افزایش سطح تحصیلات در مردان لزوماً با بالا رفتن سن ازدواج همراه نبود که ممکن است به دلیل آزادی بیشتر پسران جوان در مناطق با پایگاه اجتماعی بالای تهران باشد (۲۸). در بعد اقتصادی یافته‌های پژوهش‌های مختلف نشان داده است که تحصیلات بالا اغلب با درآمد بیشتر و استقلال مالی مرتبط است که می‌تواند منجر به تأخیر در ازدواج شود (۲۹، ۲۶). افراد با تحصیلات عالی اغلب به فرصت‌های شغلی بهتری دسترسی دارند و این امر باعث افزایش استقلال مالی آن‌ها می‌شود. این افراد ممکن است احساس کنند که هنوز برای پذیرش مسؤلیت‌های ازدواج آماده نیستند و به همین دلیل تصمیم به تأخیر در ازدواج می‌گیرند تا به اهداف مالی و حرفه‌ای خود دست یابند (۳۰). همچنین، توقعات بالاتر از زندگی و استانداردهای بالای اقتصادی، ممکن است ناشی از سطح تحصیلات بالا باشد که می‌تواند به تأخیر در ازدواج کمک کند؛ چرا که فردی که به دنبال حفظ استانداردهای بالای زندگی است، ممکن است به تأخیر در ازدواج به عنوان یک راه برای رسیدن به این استانداردها نگاه کند (۳۱).

از دیگر یافته‌های مطالعه حاضر، متغیر ترکیب اعضای خانواده است که با سه بعد فردی، اقتصادی و اجتماعی در ارتباط می‌باشد؛ به طوری که زندگی با بستگان درجه دو در بعد اجتماعی و زندگی با دوستان در بعد فردی و اقتصادی، از امتیاز بالاتری برخوردارند. Parsons یکی از جامعه‌شناسان متأخر، معتقد بود که تغییرات اجتماعی و صنعتی شدن، موجب تحولات مهمی در نهاد خانواده شده است. این تغییرات ابتدا باعث کوچک شدن خانواده به یک واحد هسته‌ای و از دست دادن برخی کارکردهای آن همچون تولید، سیاست و دین شده است. همچنین، او باور داشت که این تحولات موجب افزایش آزادی جوانان در انتخاب همسر شده است؛ هرچند که این موضوع متأثر از عواملی همچون تحصیلات، جایگاه اجتماعی، وضعیت مالی و شغلی افراد است (۳۲). با توجه به این که تحقیقات بسیار اندکی در زمینه ترکیب خانوادگی و ارتباطش با عوامل مختلف ازدواج دیرهنگام انجام شده است، پژوهش‌های بررسی شده در این قسمت محدود بود و پیشنهاد می‌شود برای روشن شدن این ارتباطات در آینده، مطالعات بیشتری صورت گیرد.

بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، عامل اقتصادی شایع‌ترین عامل اثرگذار بر عدم ازدواج در جامعه هدف بود که با نتایج پژوهش Bagi و همکاران (۶) همسو می‌باشد. شاخص‌های اقتصادی همچون میزان بیکاری و تورم، تأثیر دو جانبه‌ای هم بر دختران و خانواده‌های آن‌ها و هم از طریق تأثیر بر پسران و خانواده‌هایشان دارد. بر اساس یافته‌های مطالعه فعله‌گری و همکاران، عامل اقتصادی نقش مهمی در تأخیر ازدواج دختران و پسران داشته است (۳۳). برخی دختران اعلام کردند که با دستیابی به استقلال مالی، انگیزه ازدواجشان کاهش یافته است. در مقابل، مردان جوان زمانی حاضر به ازدواج می‌شوند که یقین داشته باشند از عهده معاش خانواده برمی‌آیند. موقعیت درآمدی مردان جوان، به ویژه در جوامعی که شوهر نان‌آور خانواده می‌باشد، همچنان مهم است و تا زمانی که به شغل پایدار نرسند، ازدواج به تأخیر خواهد افتاد (۳۴). در تبیین نتایج به دست آمده در این بخش از پژوهش می‌توان گفت که عامل اقتصادی به طور مستقل و برجسته‌ای بر تأخیر در ازدواج تأثیر می‌گذارد. همچنین، این عامل کمترین همبستگی را با سایر عوامل داشت و در نتیجه، کمترین اثرپذیری را از آن‌ها دارد که این می‌تواند به دلیل مشکلات اقتصادی و تورم موجود در سال‌های اخیر باشد.

پژوهش یا مطالعات آینده وجود دارد.

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که عامل اقتصادی به طور مستقل، باعث تأخیر در ازدواج به‌هنگام شده است. همچنین، عامل فردی به عنوان یک عامل مؤثر شناخته شده که به یکی از مهم‌ترین شاخص‌های عدم ازدواج تبدیل شده است و نیاز به بررسی‌های جداگانه دارد. سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت و نهادهای عمومی باید علاوه بر رفع موانع اقتصادی، به شناسایی و تحلیل شرایط فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی موجود در جامعه بپردازند و با توجه به شرایط نوین غالب در جامعه، سیاست‌گذاری‌های جدیدی را برای ترغیب جوانان به ازدواج ارایه دهند. همچنین، پژوهش‌های بیشتری در زمینه عوامل فردی و تغییرات نسلی مؤثر بر ازدواج به‌هنگام انجام شود.

تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر برگرفته از طرح تحقیقاتی با شماره ۱۴۰۱۱۱۰۴۹۴۳ و کد اخلاق IR.UMSHA.REC.1401.813 مصوب معاونت تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی همدان می‌باشد و تحت حمایت مالی این معاونت انجام شده است. بدین وسیله از معاونت تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی همدان، کلیه شرکت‌کنندگان، معاونت امور بهداشتی استان کرمانشاه و مرکز بهداشت شهرستان کرمانشاه جهت همکاری در انجام این مطالعه، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

پرسش‌نامه باشد. با وجود این یافته، در تحقیق فعله‌گری و همکاران، عوامل خانوادگی همچون آرمان‌گرایی خانواده، تأکید بر ازدواج فامیلی و خانواده آسیب‌دیده، از مهم‌ترین عوامل بازدارنده ازدواج شناخته شده است (۳۳). همچنین، ناتوانی خانواده در تأمین هزینه‌های ازدواج نیز به عنوان عامل بازدارنده در پژوهش‌های دیگر مطرح شده است (۴۰). این درحالی است که بحیرایی و حضرتی صومعه بر نقش فعال خانواده در ساماندهی و ازدواج جوانان تأکید داشتند (۳۹) که با یافته‌های بررسی حاضر همخوانی نداشت. این تفاوت در نتایج ممکن است ناشی از تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان جوامع مورد بررسی باشد.

بررسی عوامل فرهنگی و خانوادگی در پژوهش حاضر نشان داد که این عوامل اثرپذیری قابل توجهی از متغیرهای مستقل ندارند. با این حال، بررسی اثرگذاری عامل فرهنگی بر سایر عوامل نشان داد که این عامل به ترتیب بر عوامل خانوادگی، اجتماعی و فردی اثر دارد. با این اوصاف، باید در نظر داشت که توسعه شهری و روستایی، ارتباطات اینترنتی و تعاملات فرهنگی بین‌المللی، تغییر سبک زندگی و تغییر گروه‌های مرجع مورد پذیرش جوانان، عوامل فرهنگی و اجتماعی را مشابه با عوامل فردی و خانوادگی دستخوش تغییر کرده است که لزوم بررسی مستقل این اثرپذیری‌ها احساس می‌شود.

از جمله محدودیت‌های مطالعه حاضر، جمع‌آوری داده‌ها به صورت الکترونیکی به دلیل عدم مراجعه این گروه سنی برای دریافت خدمات به مراکز خدمات جامع سلامت بود که در تعمیم یافته‌ها باید جانب احتیاط رعایت شود. دیگر محدودیت، ماهیت مقطعی بودن تحقیق می‌باشد که به مقایسه با یک گروه شاهد ازدواج کرده در همین رده سنی نیاز است. همچنین، ضرورت انجام مدل‌سازی جامع با استفاده از آزمون‌های کامل‌تر مانند تحلیل مسیر برای تکمیل

References

1. Imanzadeh A, Alipour S. Lived experiences of married women in the early marriage problems. *Woman and culture*. 2016; 8(30): 31-46.
2. Park Y, Impett EA, MacDonald GJP, Bulletin SP. Singles' sexual satisfaction is associated with more satisfaction with singlehood and less interest in marriage. 2021; 47(5): 741-52.
3. Agaba P, Atuhaire LK, Rutaremwa G, editors. Determinants of age at first marriage among women in Western Uganda. *European population conference*; 2010.
4. Raymo JM, Uchikoshi F, Yoda SJDR. Marriage intentions, desires, and pathways to later and less marriage in Japan. 2021; 44: 67.
5. Kazmipour S. Changes in the family in contemporary Iran with an emphasis on marriage and divorce. 2022.
6. Bagi M. Reasons for delayed marriage and its determinants in Iran. 2023; 34(1): 31-50.
7. Sepehrara M, AHMADI V, KARIMI J. A survey of the Attitudes of Young People Aged 20 to 35 Years Old to Marriage in Kermanshah City. 2020.
8. Apostolou M, Esposito G. Singles' reasons for being single: Empirical evidence from an evolutionary perspective. *Frontiers in psychology*. 2020; 11: 746.
9. Jones GW. Ultra-low fertility in East Asia: policy responses and challenges. *Asian Population Studies*. 2019; 15(2): 131-49.
10. Khalajinia Z, Abbasi M, Khaki I. The lived experiences of student marriage: a phenomenological study. *Qom University of Medical Sciences Journal*. 2018; 12(5).
11. Askari Nodoushan a, Abbasi Shavazi MJ, Piri Mohammadi M. Ideal age at marriage and its correlates in Yazd city women's strategic studies. 2016; 19(73): 35-63.
12. Molaphana RK, vosoghi M. Sociological study of the contexts and consequences of delaying the age of marriage among unmarried men in Tehran. *Strategic studies of women*. 2022; 24(94): 161-84.
13. Hatem H, Rasool S, Ardeshir R. Factors influencing the delay in marriage of girls in the cities of Iran. *Local*

- development (rural-urban). 2019; 11(1):147-72.
14. Nasiri F, Beheshti Rad R, Sultanzadeh V. Investigating the effective factors on increasing the age of marriage of women and increasing the number of women who have survived marriage in Hamadan province. 2017.
 15. Soheli A, Sahar K, Sorosh F. Economic capital and gender: A study on control over financial resources among families in Tehran. *Social Development and Welfare Planning*. 2014; 5(21): 157-90.
 16. Sadeghi A, Asgharpur M, Noghani Dekht Bahmani M, editors. Social capital, gender and career success. National Conference of Sociology and Social Sciences; 2014.
 17. Cheatsaz. Iranian family and socio-cultural developments: generational analysis. *Two quarterly journals of social issues in Iran*. 2023; 14(1): 89-112.
 18. Imanzadeh A, Mohammadzadeh S, Alipur S. Lived experiences of female graduate students of Tabriz University from late marriage (a phenomenological study). *Women in culture and art*. 2017; 9(4): 541-60.
 19. Kaufman G, Goldscheider F. Do men "need" a spouse more than women? Perceptions of the importance of marriage for men and women. *The Sociological Quarterly*. 2007; 48(1): 29-46.
 20. Ebrahimi N, Koraei A, Shahbazi MJSPR. The Effect of Individual Identity Dimensions on Attitude toward Marriage with Mediating of Marital Horizons Components in single male postgraduate students. 2020; 10(39): 82-59.
 21. Zarean M. Investigation of the reasons for delayed marriage from the viewpoint of female students in Tehran. *Journal of Woman and Family Studies*. 2018; 6(2): 86-110.
 22. Nikkhah HA, Fani M, Asgharpour A. Students' attitude towards marriage and factors affecting it. *Journal of Applied Sociology*. 2017; 28(3):99-122.
 23. Fakhraei C, Portaghi M. Sociological investigation of factors related to late marriage of married youth over 30 years of age in Benab city. *Sociological studies*. 2015; 8(27): 63-80.
 24. Sadr Mousavi M, Karimzadeh H, Khaleghi A. An analysis of the factors of low participation of rural women in the labor force using the mixed method of the case: Sina village in Varzeghan city. *Space Economy and Rural Development Quarterly*. 2016; 5(16):1-20.
 25. Nosratinejad F, Sharifian Thani M, Mohammadi Nobari A. Sociological explanation of late marriage among young people of Tarem city. *Two quarterly journals of social issues in Iran*. 2017; 7(2): 141-58.
 26. Sayyah S, Koochakzadeh R, Hasani F. Comparison of education levels and attitudes toward marriage among young girls and boys in Tehran. *Rooyesh-e-Ravanshenasi*. 2018; 7(3):27-36.
 27. Khairi M, Haji Agha M. Socio-pathological study of increasing the age of marriage from the perspective of female students of Islamic Azad University, Urmia branch. *Sociological studies*. 2016; 9(30): 125-38.
 28. Aghaei SS, Taheri Benchernari R. Attitudes of Youth towards the Impact of Economic, Social, and Cultural Factors on Increasing the Age of Marriage (Case Study: Districts 2 and 3 of Region 4 in Tehran, 1391/2012). *Iranian Journal of Sociological Studies*. 2013; 8(3): 75-94.
 29. Gholami Qarab S, Hosseini Ajdadniaki SJ. Investigating socio-cultural factors affecting the organization of youth marriage (case study: students of the Department of Humanities, Tehran University of Research Sciences in 2015). *Strategic studies of sport and youth*. 2018; 41(17): 97-113.
 30. Mirsandasi SM, Mohammadi Qala Sefidi M. Investigating the relationship between women's education and increasing their marriage age and ways to prevent it with an emphasis on the Islamic approach. *Cultural-educational quarterly for women and family*. 2014; 6(17).
 31. Kalate Sadati A, Jiriaei R. A study of social factors affecting the attitude towards marriage: Study among female dormitory students in Yazd University. *Quarterly Journal of Social Work*. 2022; 10(4): 48-56.
 32. Etamadi Fard SM. Parsons: from active volitionism to social system (examining the course of Parsons' theoretical efforts to explain the social issue). *Culture and communication letter*. 2010; 2: 3-26.
 33. Falehgari Z, Parvin S, Parsamehr M. Analyzing the reasons behind girls' marriage delay: a qualitative research. *Gender and family studies*. 2018; 6(1): 127-59.
 34. Kalmijn M. The influence of men's income and employment on marriage and cohabitation: Testing Oppenheimer's theory in Europe. *European journal of population= Revue europeenne de demographie*. 2011; 27(3): 269.
 35. Moradi G, Safarian M. Effective socio-economic factors on the increase of the youth marriage age. *Sociological Studies of Youth*. 2012; 3(7): 81-108.
 36. Habibpour Getabi K, Ghaffari G. Reasons for increasing the marriage age of girls. *Women in development and politics*. 2011; 9(1): 7-34.

37. Tayibinia M. The degree of desire of young people to get married and identifying its obstacles and problems. Sociological studies of youth. 2015.
38. Hippen KA. Attitudes toward marriage and long-term relationships across emerging adulthood. 2016.
39. Bahirae E, Hazratismeeh Z. Social factors influencing age at marriage, female students (case study: Working students in 1390 to study at Islamic azad university, science research) 2012.
40. Sadeghi Fasae S, Banijamali M. Young People, Family and Managing Marriage. Strategic Studies on Youth and Sports. 2019; 18(44): 167-92.